



فاطمه خادم شیرازی

کارشناس مسائل بین الملل

سفر اخیر وزیر امور خارجه ایران به پاکستان و تأکید بر همکاری‌های گسترده در حوزه‌های اقتصادی، انرژی، مدیریت مرزها و اتصال منطقه‌ای، پیام‌های سیاسی و امنیتی‌گوناگونی در فضای ژئوپلیتیک جنوب آسیا به همراه دارد. این تعاملات در شرایطی انجام می‌شود که معادلات منطقه‌ای از جمله تنش‌های میان هند و پاکستان بر سر کشمیر، شورش بلوچ‌ها در بلوچستان پاکستان و تأثیرات آن بر امنیت منطقه‌ای و همچنین رقابت‌های اقتصادی و راهبردی میان بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نظیر چین و آمریکا، اهمیت روزافزونی به خود گرفته است. این سفر باعث شده که تحلیلگران رفتار ایران را در تعامل با پاکستان بررسی کنند و به این پرسش پاسخ دهند که آیا هدف ایران ایجاد توازن میان قدرت‌های منطقه‌ای است یا حمایتی استراتژیک از پاکستان در برابر چالش‌های موجود دارد. از یکسو، نزدیکی ایران و پاکستان دلایل متنوعی دارد، از جمله جغرافیای مشترک و مرزهای طولانی که دو کشور را به همکاری برای تأمین امنیت مرزی و مقابله با بی‌ثباتی‌های داخلی، از جمله فعالیت‌گروه‌های شبه‌نظامی و قاچاقچیان، ترغیب می‌کند. شورش بلوچ‌ها در بلوچستان پاکستان، که گاه از سوی بازیگران خارجی تقویت می‌شود، نه تنها تهدیدی برای اسلام‌آباد است بلکه تبعات احتمالی آن می‌تواند به مرزهای شرقی ایران نیز سرریز کند. تحلیل فرهنگی-اجتماعی روابط ایران و پاکستان نشان می‌دهد که این دو کشور علاوه بر تعاملات سیاسی و امنیتی، در ابعاد فرهنگی و اجتماعی نیز پیوندهای معناداری دارند. زبان فارسی که در گذشته زبان رسمی شبه‌قاره بوده، همچنان در ادبیات و فرهنگ پاکستان ردپایی پررنگ دارد و بخشی از هویت تاریخی این کشور را شکل داده است. علاوه بر این، روابط مذهبی میان جوامع شیعه و سنی در دو کشور، گاه نقش پل ارتباطی و گاه چالش را ایفا می‌کند. تبادلات هنری، مانند حضور آثار سینمایی، موسیقی و ادبیات ایران در پاکستان و بالعکس، بستری غنی برای تقویت روابط دوستانه فراهم کرده است. همچنین، مهاجرت‌ها و تعاملات مردمی در مناطق مرزی، اشتراکات اجتماعی و فرهنگی ایجاد نموده که می‌تواند دیپلماسی عمومی میان دو کشور را تقویت کند. این پیوندهای می‌تواند زمینه‌ساز تعمیق همکاری‌ها و افزایش اعتماد متقابل در سایر حوزه‌ها باشد. بنابراین، همکاری امنیتی و اقتصادی ایران با پاکستان در این زمینه بیشتر جنبه عملی و مصلحت‌محور دارد، تا از ایجاد یک محور بی‌ثباتی در منطقه جلوگیری کند. از سوی دیگر، هند که یکی از رقبای اصلی پاکستان در منطقه است، روابط قابل توجهی با ایران دارد. پروژه بندر چابهار و همکاری‌های انرژی میان تهران و دهلی‌نواز جمله مواردی است که نشان می‌دهد ایران به دنبال حفظ نوعی موازنه در روابط خود با هر دو کشور است. با این حال، حساسیت هند نسبت به حمایت‌های ادعایی پاکستان از شورش‌های کشمیر و همچنین احساس نگرانی این کشور از احتمال افزایش نفوذ ایران و پاکستان در پروژه‌های اقتصادی و امنیتی مانند کریدور چین-پاکستان (CPEC)، باعث می‌شود سفر وزیر امور خارجه ایران پیام‌های دیپلماتیک خاصی به همراه داشته باشد. در کنار این‌ها، نقش چین به عنوان بازیگر کلیدی در منطقه نیز باید مورد توجه قرار گیرد. چین از طریق سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در کریدور اقتصادی چین-پاکستان، به کاهش تنش‌ها و تقویت ثبات در پاکستان و بلوچستان علاقه‌مند است. نزدیکی ایران و پاکستان می‌تواند با اهداف راهبردی چین در منطقه همخوانی داشته باشد و ایران را در جایگاه شریک مهم‌تر برای پروژه‌هایی که نیاز به ثبات منطقه‌ای دارد، قرار دهد. در مقابل، آمریکا و متحدانش که به دنبال تضعیف محور تهران-اسلام‌آباد-پکن هستند، ممکن است این تعاملات را تهدیدی برای استراتژی‌های منطقه‌ای خود بدانند. از نظر امنیتی، حمایت پاکستان از ایران در مدیریت مرزها و جلوگیری از نفوذ گروه‌های افراطی می‌تواند حاصل این همکاری باشد. در همین حال، ایران از این فرصت استفاده می‌کند تا از بی‌ثباتی‌های احتمالی شورش بلوچ‌ها در بلوچستان پاکستان بر امنیت مرزهای خود جلوگیری کند. این همکاری همچنین پیام روشنی به گروه‌های مخالف و بازیگران خارجی است که ایران و پاکستان عزم خود را برای مقابله با این تهدیدات جزم کرده‌اند. مساله توازن یا حمایت استراتژیک زمانی پیچیده‌تر می‌شود که در نظر داشته باشیم ایران در سیاست خارجی خود عموماً به دنبال پرهیز از ورود به قطب‌بندی‌های منطقه‌ای است. تعامل ایران با پاکستان، همراه با تعاملات گسترده‌اش با هند و سایر بازیگران منطقه‌ای، نشان دهنده تلاشی برای حفظ موازنه در سیاست خارجی و تأمین منافع ملی بدون ورود به تنش‌های منطقه‌ای گسترده است. با وجود این، اقداماتی مانند همکاری در حوزه مدیریت مرزی، انرژی و زیرساخت‌های اقتصادی نشان می‌دهد که ایران برای تأمین امنیت و منافع مشترک با پاکستان، مایل است روابط نزدیک‌تری داشته باشد. در نهایت، این سفر را می‌توان در راستای سیاست اصولی تهران در ایجاد تعادل میان بازیگران منطقه‌ای تفسیر کرد. ایران با تقویت همکاری‌های دوجانبه با پاکستان و در عین حال حفظ روابط راهبردی با هند، از یک سو پیام اتحاد و همکاری منطقه‌ای برای حل چالش‌های مشترک را ارسال می‌کند و از سوی دیگر تلاش می‌کند تا ژئوپلیتیک پیچیده منطقه را به شکلی مدیریت کند که مانع از تضعیف روابطش با هیچ‌یک از طرف‌ها نشود. در نتیجه، این تعاملات به جای حمایت استراتژیک صرف از پاکستان، بیشتر بر مبنای منافع مشترک، ملاحظات امنیتی و تلاش برای حفظ توازن منطقه‌ای قابل تحلیل است.

قاسم مجبعلی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ایران و آمریکا در یک فرصت استثنایی

برای توافق قرار دارند



تصمیم‌گیرنده اصلی درباره توافق با ایران ترامپ

است نه تندروها

اسرائیل اگر احساس کند توافق ایران و آمریکا به

سودش نیست بازی را به هم می‌زند

آرمان ملی- احسان انصاری: در حالی قرار است دور چهارم مذاکرات ایران و آمریکا روز یکشنبه برگزار شود که با توجه به سفر ترامپ به خاورمیانه این احتمال وجود دارد که این دور از مذاکرات لغو شود. با این وجود پراساس اظهارات ویتکاف و عراقچی روند مذاکرات دو کشور مثبت بوده و در آینده‌ای نزدیک ادامه پیدا خواهد کرد. در این بین اما حمله یمنی‌ها و تهدید مقامات اسرائیل نسبت به ایران به بهانه حمایت از یمنی‌ها شرایط را پیچیده کرده است. از سوی دیگر سفر ترامپ به خاورمیانه که به سه کشور عربستان، قطر و امارات خواهد بود در شرایط حساس کنونی از بسیاری جهات حائز اهمیت خواهد بود. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این مسائل با قاسم مجبعلی تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. مجبعلی در این زمینه معتقد است: «ترامپ هم مانند اوپاما یک پدیده در جامعه آمریکا است. در

با توجه به احتمال تعویق مذاکرات در این هفته

به دلیل سفر ترامپ به خاورمیانه تعویق دو هفته‌ای

مذاکرات چه پیام‌هایی برای مذاکرات خواهد داشت؟

تعویق دور چهارم مذاکرات اگر به دلیل سفر ترامپ به خاورمیانه باشد یک موضوع است اما اگر به دلیل اختلاف نظر‌ها باشد شرایط دیگری خواهد داشت. در هر شرایطی ایران به دلیل وضعیتی که در قطعه‌نامه ۲۲۲۱ با آن مواجه است و همچنین چالش‌های بین‌المللی و داخلی زمان برای رسیدن به توافق محدود است و وضعیت به شکلی نیست که زمان زیادی وجود داشته باشد. این در حالی است که ایران باید تا قبل از برگزاری شورای بعدی آژانس به یک تفاهمی با آمریکا دست پیدا کند که احتمال بازگشت تحریم‌هایی که به وسیله برجام معلق شده بود از بین برود. به همین دلیل نیز نباید زمان را از دست داد و بلکه باید تلاش کرد مذاکرات هر چه زودتر به یک نتیجه مشخص برسد.

آیا زمانی که ترامپ به ایران نامه نوشت کابینه آمریکا

درباره ایران به جمع‌بندی نرسیده بود که در شرایط کنونی

تناقض‌های زیادی در بین مقامات آمریکا درباره مذاکره با

ایران مشاهده می‌شود؟

ترامپ هم مانند اوپاما یک پدیده در جامعه آمریکا است. در زمان اوپاما نیز زمانی که برجام امضا شد کنگره با دولت مخالف بود. حتی در نامه‌ای که اوپاما به رهبری که نموش عنوان کرد که این توافق آمریکا با ایران نیست و بلکه توافق اوپاما و ایران است. این وضعیت امروز هم درباره ترامپ وجود دارد و مواضع وی با مواضع برخی در بدنه دولت و همچنین در کنگره و جریان‌های سیاسی درون آمریکا مخالفانی دارد. البته این وضعیت تنها درباره ایران وجود ندارد و بلکه درباره روسیه، چین، کره شمالی و حتی درباره اسرائیل و کره شمالی نیز این اختلاف دیدگاه در آمریکا وجود دارد. با این وجود تصمیم‌گیرنده نهایی رئیس‌جمهور آمریکا است. نکته مهمی که در این دوره ریاست جمهوری ترامپ وجود دارد این است که اکثریت کنگره با وی همراه هستند که این وضعیت یک فرصت استثنایی برای ایران به وجود آورده است. شرایط به شکلی است که ترامپ می‌تواند توافق احتمالی با ایران را در کنگره آمریکا تصویب کند تا برای دولت آمریکا تعهد ایجاد کند.

در روزهای اخیر فشارها و انتقادات در درون دولت

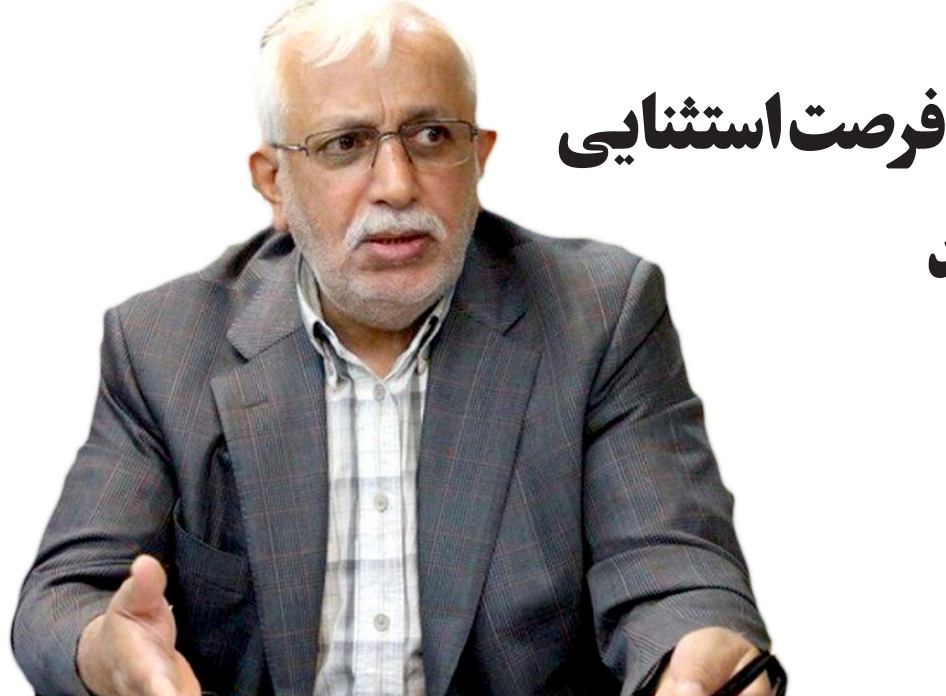
ترامپ نسبت به ویتکاف درباره مذاکره با ایران افزایش

پیدا کرده است. در چنین شرایطی ویتکاف چگونه

می‌تواند اهداف ترامپ را در مذاکره با ایران محقق کند؟

یکی از چالش‌هایی که ترامپ درباره مذاکره با ایران دارد

لایه‌های اسرائیل و خواسته‌هایی نتانیاهو از ترامپ درباره



زمان اوپاما نیز زمانی که برجام امضا شد کنگره با دولت مخالف بود. حتی در نامه‌ای که اوپاما به رهبری هم نوشت عنوان کرد که این توافق آمریکا با ایران نیست و بلکه توافق اوپاما و ایران است. این وضعیت امروز هم درباره ترامپ وجود دارد و مواضع وی با مواضع برخی در بدنه دولت و همچنین در کنگره و جریان‌های سیاسی درون آمریکا مخالفانی دارد. البته این وضعیت تنها درباره ایران وجود ندارد و بلکه درباره روسیه، چین، کره شمالی و حتی درباره اسرائیل و کره شمالی نیز این اختلاف دیدگاه در آمریکا وجود دارد. با این وجود تصمیم‌گیرنده نهایی رئیس‌جمهور آمریکا است. نکته مهمی که در این دوره ریاست جمهوری ترامپ وجود دارد این است که اکثریت کنگره نیز با وی همراه هستند که این وضعیت یک فرصت استثنایی برای ایران به وجود آورده است.» در ادامه محاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

نظر بگیریم این است که در شرایطی که موضوع جنگ یا صلح مطرح باشد طرف اصلی آمریکا است. این در حالی است که در دو موضوع پرونده هسته‌ای و مسأله اسرائیل ایران باید با آمریکا توافق کند. اگرچه کشورهای دیگر نیز در این توافق ذینفع هستند، اما به اندازه آمریکا تأثیرگذار نیستند.

با توجه به حملات یمن به اسرائیل و تهدیداتی که

مقامات اسرائیل نسبت به ایران دارند به چه میزان این

احتمال وجود دارد که اسرائیل در حین مذاکرات ایران

و آمریکا رفتار پر مخاطره‌ای علیه ایران انجام بدهد؟

این موضوع بستگی به ماهیت توافقی دارد که قرار است بین ایران و آمریکا حاصل شود. اسرائیل اگر احساس کند توافق ایران و آمریکا به سود این کشور تمام نخواهد شد تلاش خواهد کرد بازی را به هم بزند. این وضعیت درباره برجام نیز وجود داشت. واقعیت این است که حملات یمنی‌ها، حزب‌ا... لبنان و عملیات ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ باعث شد که اسرائیل موقعیت خود را در منطقه گسترش بدهد و کمک‌های زیادی از آمریکا دریافت کند. واقعیت این است که در شرایط کنونی نتانیاهو تلاش بسیار می‌کند که از عملیات یمنی‌ها بیش‌ترین بهره‌برداری را به نفع خود داشته باشد و از آن به سود خود سوء استفاده کند. به گونه‌ای که هم کمک‌های بیشتری از آمریکا دریافت کند و هم با آمریکا داند و آمریکا در این کشورها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام داده است. از سوی دیگر عربستان بزرگ‌ترین خریدار تسلیحات از آمریکا در منطقه و جهان است. نکته دیگر اینکه گمانه‌زنی‌ها از سرمایه‌گذاری یک تریلیون دلاری عربستان در آمریکا حکایت دارد که رقم بالایی برای ترامپ است که به دنبال تقویت اقتصاد آمریکا است. رویکرد ترامپ نسبت به قدرت‌های اقتصادی جهان و چالش‌هایی که در ماه‌های گذشته به وجود آمده به شکلی بوده که در شرایط کنونی عربستان یکی از گزینه‌های خوب برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد آمریکا است. به همین دلیل نیز ترامپ به دنبال نزدیک‌تر شدن آمریکا و عربستان است.

ترامپ در روزهای آینده به خاورمیانه و سه کشور

عربستان، قطر و امارات سفر خواهد کرد. مهم‌ترین

اهداف وی از این سفر چیست؟

در مرحله نخست این سفر یک سفر کاری و تجاری در کشورهای شریک آمریکا است. به هر حال کشورهایی مانند عربستان در زمینه انرژی و نفت پروژه‌های مشترکی با آمریکا دارند و آمریکا در این کشورها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام داده است. از سوی دیگر عربستان بزرگ‌ترین خریدار تسلیحات از آمریکا در منطقه و جهان است. نکته دیگر اینکه گمانه‌زنی‌ها از سرمایه‌گذاری یک تریلیون دلاری عربستان در آمریکا حکایت دارد که رقم بالایی برای ترامپ است که به دنبال تقویت اقتصاد آمریکا است. رویکرد ترامپ نسبت به قدرت‌های اقتصادی جهان و چالش‌هایی که در ماه‌های گذشته به وجود آمده به شکلی بوده که در شرایط کنونی عربستان یکی از گزینه‌های خوب برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد آمریکا است. به همین دلیل نیز ترامپ به دنبال نزدیک‌تر شدن آمریکا و عربستان است.

یک موضوع مهم است، زیرا وقتی موضوعی با مصوبه شورای عالی امنیت ملی یا هماهنگی با کلیت نظام پیگیری می‌شود، دیگر چنین تک‌نوازی‌ها و رفتارهای سلیقه‌ای جایی در منظومه کلی حامیان نظام و مصالح کشور ندارد. وی با اشاره به اظهار بی‌اطلاعی برخی مسئولان در این خصوص ادامه داد: در خصوص نوع تعامل و مواجهه‌ای که بدنه دولت در سطوح پایین‌تر با این موضوع دارند، من هم نسبت به برخی اظهارات دولتی‌ها انتقاد دارم. اینکه دولت با در اختیار داشتن زیرساخت‌های ارتباطی کشور نتوانسته باشد مبدا و منبع ارسال گسترده و سیستماتیک این پیام‌ها را کشف کند، محل تأمل و تردید است و اگر واقعیت داشته باشد، نشانه ضعف محسوب می‌شود. این فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: به نظر می‌رسد که برای دولت، یافتن مبدا به لحاظ فنی با توجه به در اختیار داشتن زیرساخت‌ها به هیچ وجه کار دشواری نیست و قابل قبول نیست که چنین ادعایی مطرح شود.

ایران باید تا قبل از برگزاری شورای بعدی آژانس به یک تفاهمی با آمریکا دست پیدا کند که احتمال بازگشت تحریم‌هایی که به وسیله برجام معلق شده بود از بین برود. به همین دلیل نیز نباید زمان را از دست داد

ایران است و نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت. ویتکاف نیز یک یهودی مهاجر است که هم با ترامپ و هم با اسرائیل رابطه نزدیکی دارد و زیاد نمی‌تواند از چارچوب‌هایی که برای وی مشخص کرده‌اند خارج شود. در چنین شرایطی اگر توافقی بین ایران و ترامپ حاصل شود احتمال اینکه کشورهای اروپایی نیز از آن حمایت کنند زیاد است. به هر حال با توجه به اختلافات زیادی که بین ایران و آمریکا و ایران و کشورهای اروپایی در زمینه‌های مختلف وجود دارد بسیار سخت خواهد بود که توافقی حاصل شود که بدون حمایت ترامپ قابلیت اجرایی داشته باشد.

اروپایی‌ها در حالی در مذاکرات با ایران حضور

ندارند که فعال کردن مکانیسم ماشه در اختیار آنها قرار

دارد. در چنین شرایطی ایران و آمریکا چگونه می‌توانند

کشورهای اروپایی را با جمع‌بندی که حاصل خواهد شد

همراه کنند؟

واقعیت این است که آمریکا طرف اصلی توافق با ایران است. این وضعیت درباره هر کشوری اعم از کره شمالی، هند، عراق و... نیز وجود دارد. با این وجود صورتی که توافقی بین ایران و آمریکا صورت بگیرد کشورهای اروپایی، روسیه، چین و کشورهای عربی ذینفع هستند. به هر حال دو کشور اروپایی روسیه و فرانسه عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل هستند و در صورتی که توافقی صورت بگیرد لازم است شورای امنیت آن را تصویب کند. این وضعیت درباره برجام نیز وجود داشت. به همین دلیل باید برای کشورهای اروپایی نیز در توافق احتمالی نقش قائل شد. به هر حال از نظر جغرافیایی کشورهای اروپایی همسایه خاورمیانه هستند و مسائل اروپا مانند بحران اوکراین و حمایت ایران از تهاجم روسیه به اوکراین به این کشورها ارتباط پیدا می‌کند. ایران برای داشتن یک ارتباط همه‌جانبه باید با همه کشورهای جهان که در معادلات بین‌المللی تأثیرگذار هستند ارتباط موثر داشته باشد. نمی‌توان شرایط را به شکلی پیش برد که با یک کشور ارتباط نزدیک‌تری برقرار کرد و در مقابل ارتباط با کشورهای دیگر را کنار گذاشت. نکته مهمی که باید آن را در

علی باقری مطرح کرد:

لزم‌ورود نهادهای امنیتی به موضوع پیامک‌های تذکر حجاب

می‌شود، به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم بدبینانه به موضوع نگاه کنیم، ممکن است به نیت پشت پرده چنین اقداماتی با سوءظن بگیریم. البته این نگرش الزاماً شامل عاملین و مجریان این برنامه‌ها نمی‌شود، بلکه این قابلیت وجود دارد که نسبت به لایه‌های تصمیم‌گیری عمیق‌تر و پشت پرده این موضوع نهادهای امنیتی کشور ورود کرده و به دقت این مسائل را بررسی کنند، این فعال سیاسی اصلاح طلب با اشاره به اینکه این موضوع می‌تواند باعث ایجاد تنش‌های اجتماعی شود، عنوان کرد: من امکان سوءنیت را در این موضوع می‌بینم، چرا که همان‌طور که اشاره شد، نتیجه چنین

توصیه‌های رهبر انقلاب
به حوزه‌های علمیه قم

الزامات حوزه «پیش‌رو و سرآمد»

ادامه از صفحه ۲ / رهبر انقلاب شناخت و حفظ و تقویت «هویت جهادی» حوزه را سومین سرفصل «حوزه سرآمد و پیشرو» برشمردند و با اشاره به پیام برمحتوا و تکان دهنده امام خمینی (ره) به روحانیت در اواخر سال ۱۳۶۷، افزودند: امام راحل در آن پیام، علما را پیش‌گام در میدان جهاد و حمایت از میهن و حمایت از مظلومان معرفی و در عین حال نگرانی خود را از اینکه جریان تجرد و تقدس‌نمایی، حوزه‌ی علمیه را دچار وسوسه‌ی جدایی‌دین از سیاست و فعالیت‌های اجتماعی کند و راه درست پیشرفت را مسدود سازد، اعلام کردند.

توصیه‌هایی برای تحقق حوزه «پیشرو و سرآمد»

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای، این دغدغه امام بزرگوار را ناشی از جریان خطرناکی دانستند که دخالت حوزه در مسائل اساسی مردم و ورود در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و مبارزه‌ی آن با ظلم و فساد را منافی با قدسیت دین می‌داند و روحانیت را به صلح کل بودن و دوری کردن از مخاطرات ورود در سیاست سفارش می‌کند. ایشان در این خصوص تأکید کردند: قدسیت دین بیش از همه جا در میدانهای جهاد فکری و سیاسی و نظامی بروز میکند و با فداکاری و جهاد حاملان معارف دین و نثار خون پاک آنان تثبیت میشود، بنابراین حوزه‌ی علمیه برای حفاظت از اعتبار معنوی و وفاداری به فلسفه‌ی وجودی‌اش هرگز نباید از مردم و جامعه و مسائل اساسی آن جدا شود و جهاد را در همه‌ی گونه‌هایش در هنگام نیاز، وظیفه‌ی قطعی خود بداند. رهبر انقلاب مشارکت در تولید و تبیین نظانات اداره جامعه را چهارمین سرفصل از «حوزه پیشرو و سرآمد» برشمردند و خاطرنشان کردند: این خلأ را حوزه باید پر کند

و این در شمار وظایف حتمی حوزه‌ی علمیه است و امروز نمی‌توان قضاوت را همچون ناآگاهان، غرق شدن در احکام فردی و عبادی دانست زیرا «فقه‌امت‌ساز»، محدوده به احکام عبادی و وظائف فردی نیست. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای آشنایی حوزه با یافته‌های روز جهان و همچنین همکاری با دانشگاه را از ضروریات طراحی و تنظیم نظامات اجتماعی برشمردند. ایشان، پنجمین سرفصل «حوزه پیشرو و سرآمد»، «لواوری‌های تمدنی در چارچوب پیام جهانی اسلام دانستند و تأکید کردند: برجسته‌ترین انتظار از حوزه علمیه زمینه‌سازی برای «استقرار تمدن اسلامی» است. تمدنی که در آن، علم و فناوری و منابع انسانی و منابع طبیعی و همه‌ی توانایی‌ها و همه‌ی پیشرفتهای بشری و حکومت و سیاست و نیروی نظامی و هر آنچه در اختیار بشر است، در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی و کاستن از فواصل طبقاتی و افزودن بر پرورش معنوی و ارتقاء علمی و شناخت روزافزون طبیعت و استحکام ایمان به کار می‌رود. رهبر انقلاب، تمدن اسلامی را نقطه‌ی مقابل تمدن خنج‌نهاد مادی کنونی خواندند و تأکید کردند: این تمدن باطل بر اساس سنت حتمی آفرینش رفتنی است و وظیفه‌ی ماکمک به ابطال این باطل و تدارک تمدن جایگزین در نظر و عمل است و حوزه‌ی علمیه در این بخش وظیفه‌ای خطیر بر دوش دارد که در درجه‌ی اول، ترسیم خطوط اصلی و فرعی تمدن نوین اسلامی و سپس تبیین و ترویج و فرهنگ‌سازی آن در جامعه است و این از جمله‌ی برترین مصادیق «بلاغ‌مبین» است. حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای با تأکید بر توجه به عنصر زمان و مکان در اجتهاد و مراقبت از اینکه نتوهمی تبدیل به ناخالص‌سازی شریعت نشود، درباره شرایط امروز حوزه علمیه که خاطر نشان کردند: حضور هزاران مدرس و مؤلف و محقق و نویسنده و گوینده و متفکر در معارف اسلامی و انتشار مجلات علمی و تحقیقی و نگارش مقالات تخصصی و عمومی، تعداد بالای طلاب و فضلاء صاحب فکر، حضور فعال در همه‌ی میدان‌های انقلاب و حتی در میدان نظامی، گشودن راه به عرصه‌ی تبلیغات جهانی و تربیت هزاران طالب علم از ملت‌های گوناگون، توجه فقهای تازه‌نفس به مباحث مبتلا به معاصر، اقبال فضلاء جوان به دقت در نکات معرفتی متون معتبر اسلامی بویژه کلام...، مجید و ابتکار مهم تشکیل حوزه‌های علمیه‌ی بانوان، همه نشان می‌دهد حوزه‌ی قم مجموعه‌ای زنده و پویا است. ایشان بخش پایانی پیام خود را به توصیه‌هایی برای تحقق حوزه «پیشرو و سرآمد» اختصاص دادند. از جمله توصیه‌هایی که رهبر انقلاب در این بخش به آنها اشاره کردند، عبارت‌اند از: «لزم به روز بودن حوزه»، «اهمیت دادن به تربیت نیرو در همه‌ی بخش‌ها»، «افزایش رابطه حوزویان با مردم»، «مقابله مدبرانه مدیران حوزه با القاتل فرضانه‌ای که طلاب جوان را از آینده ناامید می‌کند»، «نگاه همراه با خوش‌بینی به نسل جوان و تعامل با آنها»، «تدوین دروس حوزه بر مبنای قفقه روشن‌بین و پاسخگو و به‌روز همراه با فلسفه روشن و دارای امتداد اجتماعی و دانش کلام رسا و استوار و دارای قدرت اقناع» و «تقویت روحیه زهد، تقوا، قناعت، استغناء از غیر خدا، توکل، پیشرفت و آمادگی برای مجاهدت.»